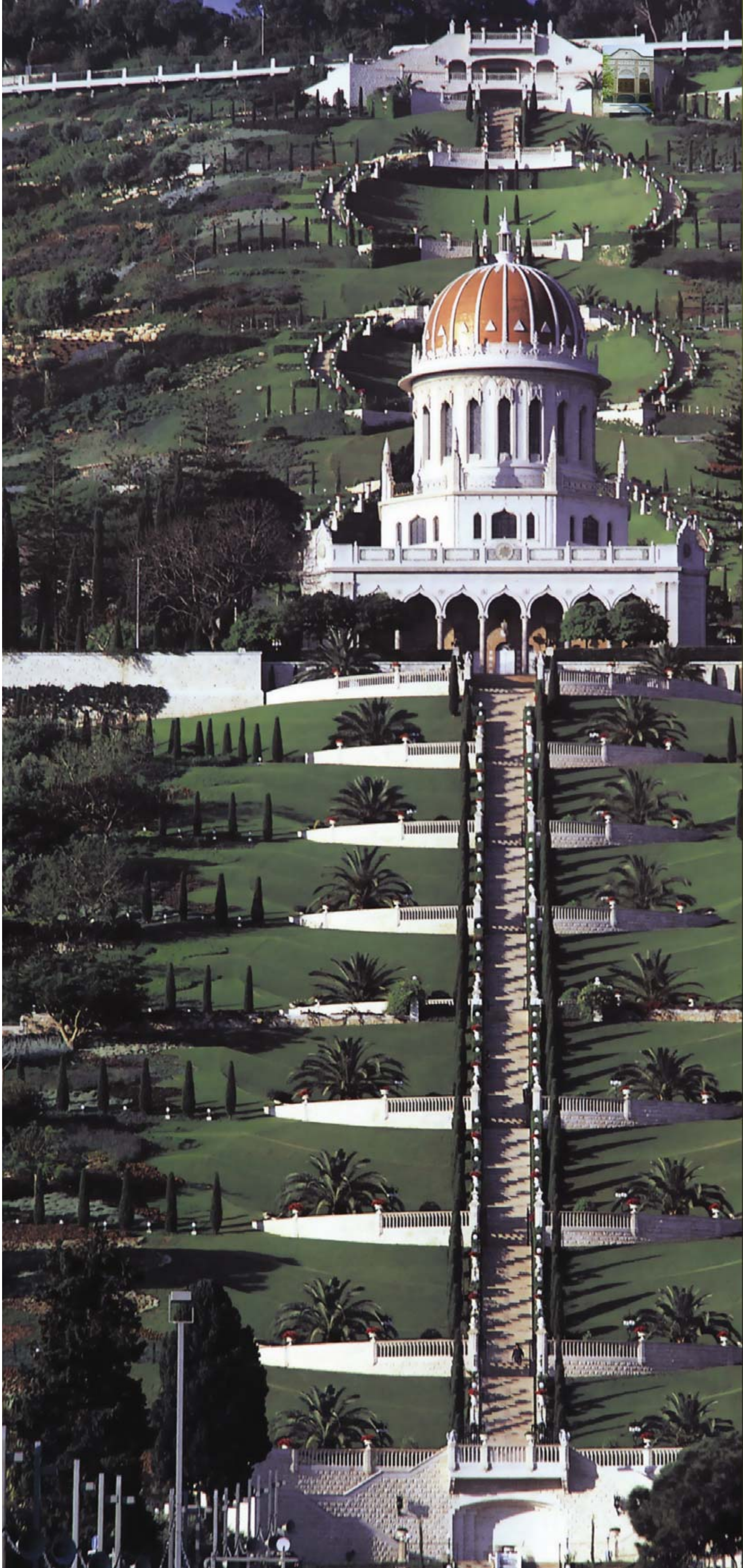
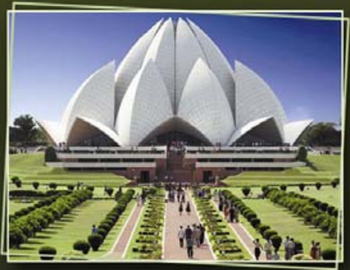


معرفی دیانت بهائی









مقدمه

دیانت بهائی یک دیانت جهانی است و **هدفش وحدت جمیع نـژادهـا و ملیتها در یک آرمـان بین المللی و دیانت واحد** می باشد. بهائیان پیروان حضرت بهاءالله هستند، که بـه اعتقاد آنها ، ایشان **موعود جمیع عصرها** می باشند. تقریبا همه ملل معتقد به آینده ای هستند که صلح و هماهنـگی در روی کـره زمین تاسیس گردد ونوع بشر در رفاه زندگی نمایند. ما معتقدیم که ساعت موعود فرا رسیده و حضرت بهاءالله آن شخص عظیمی هستند که تعالیمشان بشریت را قادر بر ساختن عالمی جدیـد می سازد. در یکی از آثارشان حضرت بهاءالله می فرمایند:

"و درياق اعظم که سبب و علت صحّت اوست ، اتّحاد من علی الارض است بر امر واحد و شریعت و آداب واحده و این ممکن نه مگر به همّت طبیب حاذق کامل مویّد، که مخصوص نظم عالم و اتّحاد اهل آن از شطر قدم به عرصه عالم ،قَدَم گذارد و توجّه نماید."



“و درياق اعظم که سبب و علت صحّت اوست ،
اتّحاد من علی الارض است بر امر واحد و
شريعت و آداب واحده و اين ممکن نه مگر به
همّت طبيب حاذق کامل مويّد، که مخصوص نظم
عالم و اتّحاد اهل آن از شطر قدم به عرصه عالم ،قَدَم
گذارد و توجّه نمايد.”

خدا

حضرت بهاءالله می فرمایند که **ذات خداوند غیر قابل درک است.** این بدان معنی است که ما نباید در ذهنمان از خداوند تصویری بسازیم. مثلا بصورت یک انسان مجسم کنیم.به طور کلی، مخلوق قادر به درک خالقش نیست. برای مثال، میز نمی تواند به وجود نجاری که او را ساخته است پی ببرد. وجود نجار برای هرچه که می سازد مبهم است.

خداوند خالق همه چیز است. او آسمانها و زمین با همه موجوداتش را آفریده است. حضرت بهاءالله به ما تعلیم می دهند که علت خلقت محبت بوده. می فرمایند:

"علت آفرینش ممکنات حب بوده چنانچه در حدیث مشهور مذکور که می فرمایند "کنت کنزاً مخفیاً فاحببت ان اعرف. فخلقت الخلق لکی اعرف" لهذا باید جمیع بر شریعت حب الهی مجتمع شوند."



"علت آفرینش ممکنات حب بوده
چنانچه در حدیث مشهور مذکور که می
فرمایند "کنت کنزاً مخفیاً فاحببت ان
اعرف. فخلقت الخلق لکی اعرف" لهذا
باید جمیع بر شریعت حب الهی مجتمع
شوند."

عهد و میثاق

لذا با وجود این که ذات خداوندی بسیار دور از ادراک ماست، ولی محبتش، زندگی و وجود ما را دائما تحت تاثیر خود قرار داده. این محبت از طریق **عهد و میثاق ابدی** او در ما جریان می یابد . کلمه **عهد یعنی وعده و قرارداد بین دو یا چند نفر** .طبق این پیمان جاودانی ، خداوند هیچ وقت ما را تنها و بدون راهنما نمی گذارد. هر وقت که بشر از او دوری کند وتعالیمش را فراموش نماید مظهر ظهور جدیدی ظاهر شده و نصایح و اراده اش را به ما تعلیم می دهد.



طبق این پیمان جاودانی، خداوند هیچ وقت ما را تنــها و بدون راهنما نمی گذارد. هر وقت که بشر از او دوری کند وتعالیمش را فراموش نمایدمظهرظهور جـدیدی ظاهر شده و نصایح و اراده اش را به ما تعلیم می دهد.

مظهر ظهور

کلمه ظهور بمعنی آشکار شدن است، یا نشان دادن چیزی که پنهان بوده است. **مــظاهر ظهور الهی همان وجــودات مقدسی هستند که برای نوع بشر نصایح و اراده الهی را آشکار می نمایند.** بدین ترتیب وقتی به کلام آنها گوش دهیم ، چنان است که نــدای الهی را اجـابت کرده ایم. بعضی از مظــاهر ظهور گذشته حضرت زرتشت ، موسی، عیسی، محمد بودند **و در ایــن زمان مظهر ظهور الهی، حضرت بهاءالله می باشند.**

مثالی از عالم ماده که به ما کمک می نماید تا معنی "مظهر ظهور" را طبق تعلیم حضرت بهاءالله درک کنیم این است که در این عــالم، خورشید منبع کلی حرارت و روشنائی است، بدون آن،زندگی بر روی کره زمین غــیر ممکن می باشد. اما خورشید هیــچ گاه به زمین نمی آید، و اگر ما نیز سعی کنیم که به آن نزدیک شویم ، به کلی خواهیم سوخت.

ولی فرض کنید که یک آینه پاک و صاف را مقابل خورشید قرار دهیم. در آن تصویر خورشید را مشاهده خواهیم کرد، وهر قدر آینه شفاف تر باشد تصویر خورشید واضح تر دیده می شود.مظاهر ظهور الهیه همانند آئینه های شفافی هستند که نور الهی را با تمام شکوه و جلالش برای بشر منعکس می کنند. و تمام این آئینه ها انعکاس دهنده یک نور هستند . در حالی که دسترسی به خداوند برای ما ممکن نیست، این وجودات مقدسه به تدریج بین ما ظاهر می شوند، در میان ما زندگی می کنند، ما را هدایت نموده، و سرشار از قوای لازمه برای پیشرفت مادی و معنوی می سازند.



مـظاهر ظهور الهی همان
وجـودات مقدسی هستند که
برای نوع بشر نصایح و
اراده الهی را آشکار می نمایند.

حضرت بهاءالله–مظهر ظهور عصر کنونی

اگر چه ممکن است تمام این آینه ها متفاوت به نظر برسند، اما همه توانایی یکسانی در انعکاس تصویر این خورشید دارند. مظاهر الهیه ممکن است به شکل های مختلف ظاهر شوند. مانند زرتشت ، موسی، عیسی، مسیح و محمّد. در حال حاضر می توانیم از طریق مظهر ظهور جدیدی با نام حضرت بهاءالله به معنای شکوه و جلال خداوندی، تعالیم الهی را به دست بیاوریم. تعالیم حضرت بهاءالله هماهنگی زیادی با تعالیم مظاهر ظهور دیگر دارد ، لیکن منطبق با شرایط امروزه بشر است. اگر یک لحظه به وضع اسفناک بشر امروز توجه نماییم ،مطمئناً به لزوم ظهور مظهرالهی جدیدی پی خواهیم برد.

حضرت بهاءالله در رابطه با این روز که در آن زندگی می نماییم، می فرمایند:

" امروز ، روز فضل اعظم و فیض اکبر است؛ باید کل به کمال اتحاد و اتفاق در ظل سدره عنایت الهی ساکن و مستریح باشند."



" امروز ، روز فضل اعظم و فیض
اکبر است؛ بایدکل به کمال اتحاد و
اتفاق در ظل سدره عنایت الهی ساکن و
مستریح باشند."

وحدت عالم انسانی

هدف دیانت بهایی وحدت عــالم انسانی می باشد.

حضرت بهاءالله می فرمایند:

" ای اهل عالم ! سراپرده یگانگی بلند شد، به چشم بیگانگان یکدیگر را مبینید، همه بار یک دارید و برگ یک شاخسار."

بنابر این بیان مبارک، ما میوه های یک درخت هستیم وبرگهای یک شـاخه. با این که از نـظر ظـاهری و احساس متفاوتیم، و استعداد و توانائی های مختلفی داریم، ولـی از یک ریشــه به وجود آمده ایم و همه اعضای یک خانواده می باشیم.

نوع بشـــر را می توان تشبیه بـه گلستان وسیعی نمودکه دارای گل هایی با رنگها و عطرهای متفاوت است. جذابیت وزیبائی گلستان به تنوع آن است. نبـــاید اجازه دهیم که تفاوت هایی مانند قیافه ظاهری ، خلق وخوی، عقایدگذشته و آراء و افکارمان سبب مجادله و کشمکش گردد . ما باید نوع بشر را گل هایی زیبا ببینیم که در گلستان بشریت روئیده اند و از تعلق به این گلســتان مســرور باشیم.

بـا این که وحدت نوع ،بشـر حقیقتی غیر قابل انکار است، ولی مردم آن قدر از این واقعیت دور هستند کـه وحدت بخشیدنـشان کار ساده ای نیست. متاسفانه در دنیای امروز جنگ های زیادی اتفاق افتاده و مجادله و کشمکش هایی بیـن ملت ها رخ داده و مردم با کـینه و عداوت،جـهالت ، تعصب و خـودخواهی ، منافع خود را به پیش می برند.

- در جامعه بهایی ما همه تلاش می کنیم که افکار و اعمــالمان را با اعتقادمان به وحدت عالم انسانی هماهنگ نماییم.

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

"فکر جنگ را با فکر قوی تر صلح مقاومــت کنید. فکر نفرت را با فکر قویتر عشق از میان بردارید."



“فکر جنگ را با فکر قوی تر صلح مقاومـت کنید. فکر نفرت را با فکر قوی تر عشق از میان بردارید.“

ترک تعصبات

ما باید تا آن جا که می توانیم بر تعصباتمان غلـبه کنیم. **تعصبات نژاد ، رنـگ ، ملـیت ، عـادات وتقالید، تعصب دینی و جنسی،** این ها هـمه مـوانع بزرگی جـهت ساختـن جـهانی بهتر هستند. بسیاری از تعالیم بهائی به ما می آموزد که چـگونه در راه رسیدن به وحدت قدم برداریـم و دیـگران را در این راه یاری دهیم. در بیان زیبای زیر، حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

"حضرت بهاءالله دایره وحدت را کشیده اند و نقشه ای برای وحدت عالم انسانی و گردهمایی مردم در خیمه وحدت جهانی تنظیم نموده اند. این تایید الهی ست و ما باید با قلب و روح خود سعی‌کنیم تا حقیقت وحدت را در میان خود به وجود آوریم، و همین طور که به کـار خود ادامه می دهیم قوّت به ما عطا خواهد شد."



"حضرت بهاءالله دایره وحدت را کشیده اند و نقشه ای
برای وحدت عالم انسانی و گردهمایی مردم در خیمه
وحدت جهانی تنظیم نموده اند. این تایید الهی ست و
ما باید با قلب و روح خود سعی‌کنیم تا حقیقت وحدت
را در میان خود به وجود آوریم، و همین طور که به کـار
خود ادامه می دهیم قوّت به ما عطا خواهد شد."

حیات مبارک حضرت بهاءالله

حضرت بهاءالله درسال۱۸۱۷میلادی(۱۱۹۶ شمسی و ۱۲۳۳ قمری) در طهران ،پایتخت ایـران، متولد شدند. از اوان طفولیت آثار عظمت در آن حضرت ظاهر بود. در مـنزل آموزش مختصری دیدند، ولی در هیچ مدرسه ای وارد نشدند ، چون از طرف خداوند دارای علم لدنی بودند. حضرت بهاءالله از خانواده اشرافی بودند و در جوانی مشاغل عالیه ای در دربار شاه به حضرتشان پیشنهاد شد، لـیکن ایشان نـپذیرفتند. و مایل بودند که بـیشتر اوقاتشان را صرف کمک به ستمدیدگان ، بیـماران و مسـتمندان نمایند، و از حق وعدالت دفاع کنند. عشق حضرت بهاءالله به نوع بشر، این چنین بود.



از اوان طفولیت آثار عظمت در حضرت بهاءالله ظاهر بود. در منزل آموزش مختصری دیدند، ولی در هیچ مدرسه ای وارد نشدند ، چون از طرف خداوند دارای علم لدنی بودند. حضرت بهاءالله از خانواده اشرافی بودند و در جوانی مشاغل عالیه ای در دربار شاه به حضرتشان پیشنهاد شد، لیکن ایشان نپذیرفتند.

مشقات و مصائب حضرت بهاءالله

زندگی حضرت بهاءالله دارای دو جـنبه است که هریک را جداگانه ذکر می نماییم.

-مشقات و مصائبی که حضرت بهاءالله از جانب ظالمین تحمل فرمودند.

-تاثیر فوق الـعاده ای که در قـلوب و افکار مردم گذاشتند.

این دو جنبه در زندگی تمام مظاهر ظهور الهی وجود دارد. مشقات حضرت بهاءالله زمانی شروع شد که برای اعـلام امـر الـهی قـیام فرمودند. زندگی ایشان شامل تبعید، حبس وشکنجه بود. حضرتشان به مـدت چـهار ماه در زیر سلاسل (زنجیر) در سیاه چالی تنگ و تاریک در طهران زنـدانی بـودند. چهار مرتبه از محلی به محل دیگر تبعید شدند ، و بالاخره به زندان عکا در امپراطوری عثمانی منتقل گردیدند. آن قدر مصائب ایشان شدید بودکه به عکا لقـب "**سجن اعظم**" را دادند. در یکی از الواحشان می فرمایند **:**

"ای خدای من ومولای من و مقصود من ...گردنی را که در میان پرند و پرنیان تربیت فرمودی آخر در غلـهای محکم بستی و بدنی را که به لباس حریر و دیبا راحت بخشیدی ، عاقبت بر ذلت حبس مقرر داشتی ... چند سنه می گذرد که ابـتلا بـه مثل باران رحمت تو، در جریان است و بلایا از افق قـضا ظـاهر و تابان ...چه روزها که از صدمات ایدی و السن آرام نگرفتـم. چـندی آب و نـان کـه به رحمت واسـعه به حیـوانات صحـرا حـلال فرمودی بدین بنده حرام نمودند و آن چـه را بـر خوارج جائز نبود، بر این عبد جائز داشتند..."

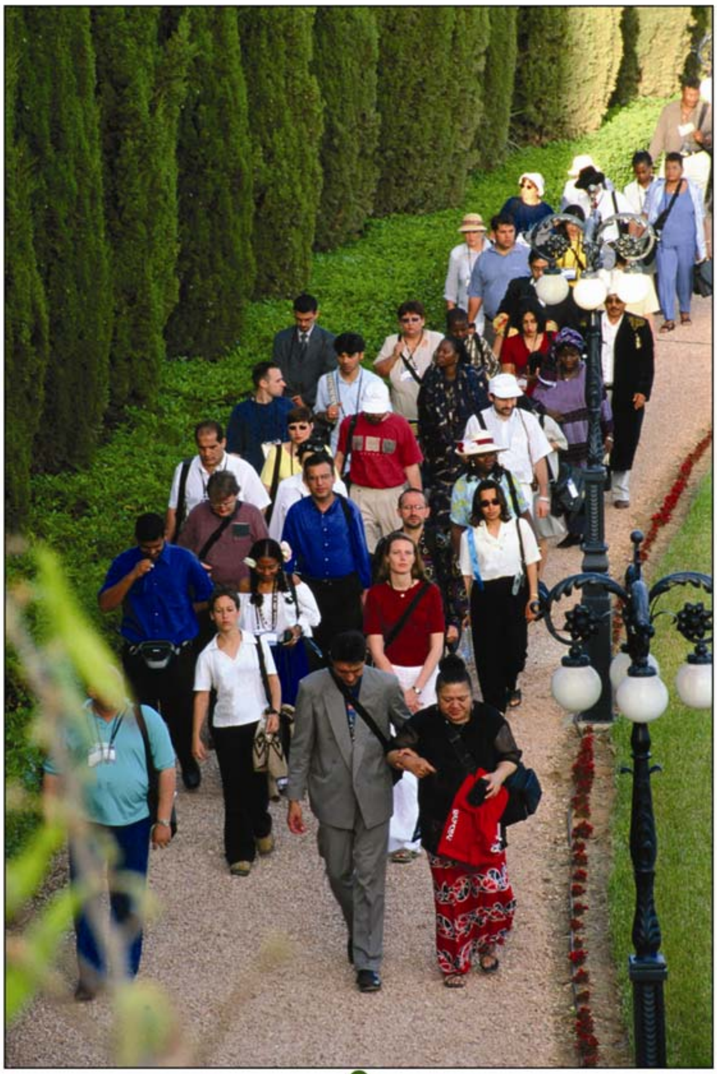


"ای خدای من ومولای من و مقصود من ...گردنی را که در میان پرند و پرنیان تربیت فرمودی آخر در غل های محکم بستی و بدنی را که به لباس حریر و دیبا راحت بخشیدی ، عاقبت بر ذلت حبس مقرر داشتی ... چند سنه می گذرد که ابتلا به مثل باران رحمت تو، در جریان است و بلایا از افق قضا ظاهر و تابان ...چه روزها که از صدمات ایدی و السن آرام نگرفتم. چندی آب و نان که به رحمت واسعه به حیوانات صحرا حلال فرمودی بدین بنده حرام نمودند و آن چه را بر خوارج جائز نبود، بر این عبد جائز داشتند..."

حضرت بهاءالله

تحقق اراده الهی

کوشش های زیادی در مخالفت با حضرت بهاءالله و تعالیمشان از طرف دو حکومت مقتدر پادشاه ایران وسلطان عثمانی صورت گرفت. ولی نور حقیقت به آسانی خاموش شدنی نیست. آب فراوانی که بر این آتش ریخته می شد تا شعله آن را خاموش نماید، تبدیل به روغن شده آتش را با شدت بیشتری شعله ور می ساخت. هیچ چیز نمی توانست مانع رشد و نفوذ امر حضرت بهاءالله گردد. هر قدر مقامات حکومتی ایشان را به نقطه دورتری تبعید می کردند، تعداد نفوسی که به تعالیم مبارک جذب می شدند و به عظمت و اقتدارشان پی می بردند بیشتر می شد. علا رغم تحمل بلایا و آزار و اذیت مداوم ، حضرت بهاءالله ، بیش از چهل سال به نزول کلام الهی ادامه دادند و **آن قدر عشق و نیروی روحانی برای این عالم به ارمغان آوردند** که موفقیت و پیروزی امر ایشان حتمی گردید.

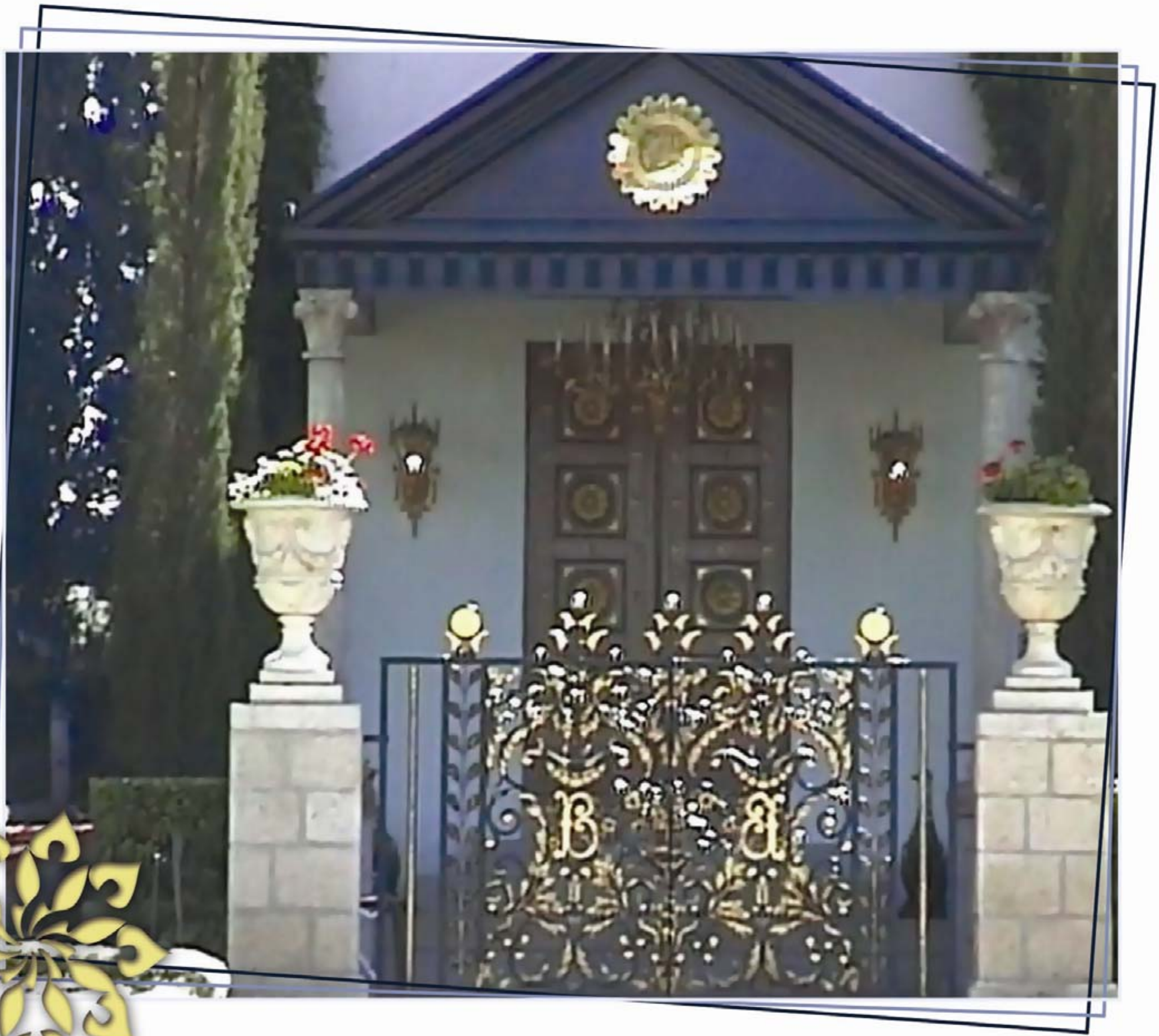


هر قدر مقامات حکومتی ایشان را به نقطه
دورتری تبعید می کردند، تعداد نفوسی که به
تعالیم مبارک جذب می شدند و به عظمت
و اقتدارشان پی می بردند بیشتر می شد.
حضرت بهاءالله ، بیش از چهل سال به نزول
کلام الهی ادامه دادند و آن قدر عشق و نیروی
روحانی برای این عالم به ارمغان آوردند که
موفقیت و پیروزی امر ایشان حتمی گردید.

صعود حضرت بهاءالله

حضرت بهاءالله درسال۱۸۹۲میلادی(۱۲۷۱ شمسی و ۱۳۰۹ قمری) صعود فرمودند. مـرقد مطهرشان ، در نزدیکی شهر عکاست که برای بهاییان مقدس ترین نقطه روی زمین است. ✸

" اگر از منزل پرسی ، سـجن و اگـر از از غذا پرسـی بلایا و محـن و اگـر از جسد پرسی در ضعف و اگر از روح پرسی در سرور و فرحی که مقابله نـمی نماید به آن، سرور مـن علی الارض.حبـس را قـبول فرمـودیم تـا گـردن های عباد از سلاسل نفس و هوی فارغ شود . و ذلت اختیار نمودیم تا عزت احبا از مشرق اراده اشراق نماید؛ همچه مدان که حق عاجز است، قسم به اسم اعظم که اگـر اراده فـرماید ارواح جمیع امم را به کلمه ای اخـذ نماید. معذالک از ظلم ظالمین چشم پوشیده و حمل بلایـای لاتحصی فـرمـوده تا کل را به مدینه باقیه ابدیه کشاند."



روضه مبارکه

(مرقد مطهر حضرت بهاءالله)
بهجی

حضرت باب

حضرت باب یکی دیگر از طلعات مقدسه دیانت بهایی می باشند. قبل از ظهور مظهر الهی همیشه کسانی هستند که پیش تر آمده و بشارت به ظهور ایشان می دهند.
به طور مثال چند سال قبل از این که حضرت عیسی خود را آشکار نمایند ، یحیی تعمید دهنده به مردم بشارت داد که مسیح موعود به زودی ظاهر خواهد شد. به همین صورت چند سال قبل از اظهار امر حضرت بهاءالله، خداوند رسولی برای بشارت به ظهور ایشان فرستاد. این رسول عظیم ملقب به " حضرت باب " بود که به معنای "دروازه" است. آن حضرت در حقیقت، دروازه ای بودند به سوی معرفت خدا و عصر جدیدی در عالم وجود. به مدت شش سال بدون وقفه مردم را آماده ظهور مظهر الهی نمود. به مردم گفت شاهد طلوع عصر جدیدی خواهند بود و موعود جمیع اعصار ظاهر خواهد شد. از آنان خواست که قلوب خود را از تعلقات دنیوی پاک کنند تا بتوانند مظهر ظهور الهی را که ظاهر خواهد شد بشناسند.



حضرت باب در حقیقت، دروازه ای بودند به سوی معرفت خدا و عصر جدیدی در عالم وجود.

حیات مبارک حضرت باب

هزاران هزار مردم رسالت حضرت باب را قبول نمودند و پیروی از آن حضرت کردند. لیکن حکومت ایران وعلمای مقتدر که سلطه بر مردم داشتند بر ضد آن حضرت قیام نمودند. پیروان ایشان را تحت شکنجه و صدمات بسیار قرار دادند و تعداد کثیری را شهید نمودند. حضرت باب در سن ۳۱ سالگی به وسیله لشکر سربازان به دستور دولت در میدان شهر تبریز مقابل رگبار گلوله قرار گرفتند و شهید شدند.

در ذیل دو فقره از ادعیه تاثیرگذار حضرت باب ذکر می گردد:

"هَلْ منْ مُفرِّجٍ غَیْرُ الله قُلْ سُبْحانَ الله هُو اللهُ کُلٌّ عبادٌ لَهُ وَ کُلٌّ بامْرِهِ قائمون."

"آیا نجات دهنده ای غیر از خدا هست؟ بگو پاک و منزه است خداوند، اوست خدا، همه بندگان او هستند و کل به امر او قائم و باقی اند." (مضمون)

"قُلْ اَللهُ یَکْفی کُلِّ شَیی عَنْ کُلِّ شَیْی وَ لا یَکْفی عَنِ الله رَبِّکَ منْ شَیءٍ لا فی السَّموَاتِ وَ لا فی الارْضِ وَ لا ما بَیْنَهُمَا انَّهُ کانَ عَلاَّماً کافیاً قَدیراً."

"بگو خداوند همه چیز را از هرچیز بی نیاز می نماید و هیچ چیز از خداوند، پروردگار تو بی نیاز نیست. نه آنچه در آسمانها و نه در زمین و نه در میان آن دو است. به درستی که اوست داننده، بی نیاز توانا." (مضمون)



"هَلْ منْ مُفرِّجٍ غَيْرُ الله قُلْ سُبْحانَ الله هُو اللهُ کُلٌّ عبادٌ لَهُ وَ کُلٌّ بامْرِه قائمونَ."

"آیا نجات دهنده ای غیر از خدا هست؟ بگو پاک و منزه است خداوند، اوست خدا، همه بندگان او هستند و کل به امر او قائم و باقی اند."

"قُلْ اَللهِ یَکْفِی کُلِّ شَیی عَنْ کُلِّ شَیْی وَ لا یَکْفِی عَنِ الله رَبِّکَ مِنْ شَیء لا فِی السَّمواتِ و لا فی الارْضِ وَ لا ما بَیْنَهُمَا انَّهُ کانَ عَلاَّماً کافیاً قَدیراً."

"بگو بودن خدا با من برای من کافی است. و هیچ چیزی نه در آسمان ها و نه در زمین و نه در میان آن دو ، مرا کفایت نمی کند. مگر خداوند که داننده بی نیاز و تواناست."

شهادت مبارک حضرت باب

پس از شهادت حضرت باب، جسد مطهرشان بیرون دروازه شهر گذاشته شد. پیروانشان جسد مطهرایشان را از جایی به جای دیگر منتقل کردند و همیشه از انظار دشمنان مخفی داشتند تا بالاخره به کوه کرمل در ارض اقدس منتقل نمودند.

حضرت بهاءالله درباره مقام کوه کرمل و وعود کتب مقدسه قبل می فرمایند:

"میقات امم منقضی شد و وعده های الهی که در کتب مقدسه مذکور است جمیع ظاهر گشت و شریعت الله از صهیون جاری و اراضی و جبال اورشلیم به تجلیات انوار رب، مزین..."



مقام اعلی (مرقد مطهر حضرت باب)

"میـقات امـم منقضی شد و وعده های الـهی که در کتب مقدسه مذکور است جمیع ظاهـر گشـت و شـریعت الله از صهیون جاری و اراضی و جبال اورشلیم به تجلیات انوار رب، مزین..."

عهد و میثاق حضرت بهاءالله

در بسیاری از ادیان گذشته ، بعد از صعود مظهر امر، پیروانشان هزاران اختلاف با همدیگر پیدا کرده، باعث تقسیم دیانت به شعب و مذاهب مختلفه می گردیدند. علت اختلاف در بعضی از وقت ها به خاطر ریاست طلبی تعدادی از افراد بود. حتی وقتی که مومنین مخلص این ادیان درباره کلمات انبیاء آراء و نظریات مختلفه ای داشتند هیچ کس از طرف آن مظهر ظهور برای شرح آیات تعیین نشده بود و این باعث بروز اختلاف و جدال می شد و بالاخره هر قسم تفسیر و شرحی سبب به وجود آمدن مذاهب مختلفه می شد. حضرت بهاءالله امر خود را با دمیدن قوایی یکتا و فرید از چنین تقسیم بندی حفظ فرمودند . و آن قوه عهد و میثاق است. قبل از صعود مبارک، به وضوح و کتبا مرقوم فرمودند که همه بهاییان پس از ایشان توجه به حضرت عبدالبهاء کنند و از راهنمایی هایشان پیروی نمایند.

حضرت عبدالبهاء فرزند ارشدشان بودند و تنها مبین آیات ومرکز عهد و میثاق الهی منصوب شدند. حضرت بهاءالله بنفسه آن حضرت را پرورش دادند، و ایشان از کودکی به مقام پدر بزرگوارشان پی بردند، و شریک رنج های پدر بزرگوار بودند.

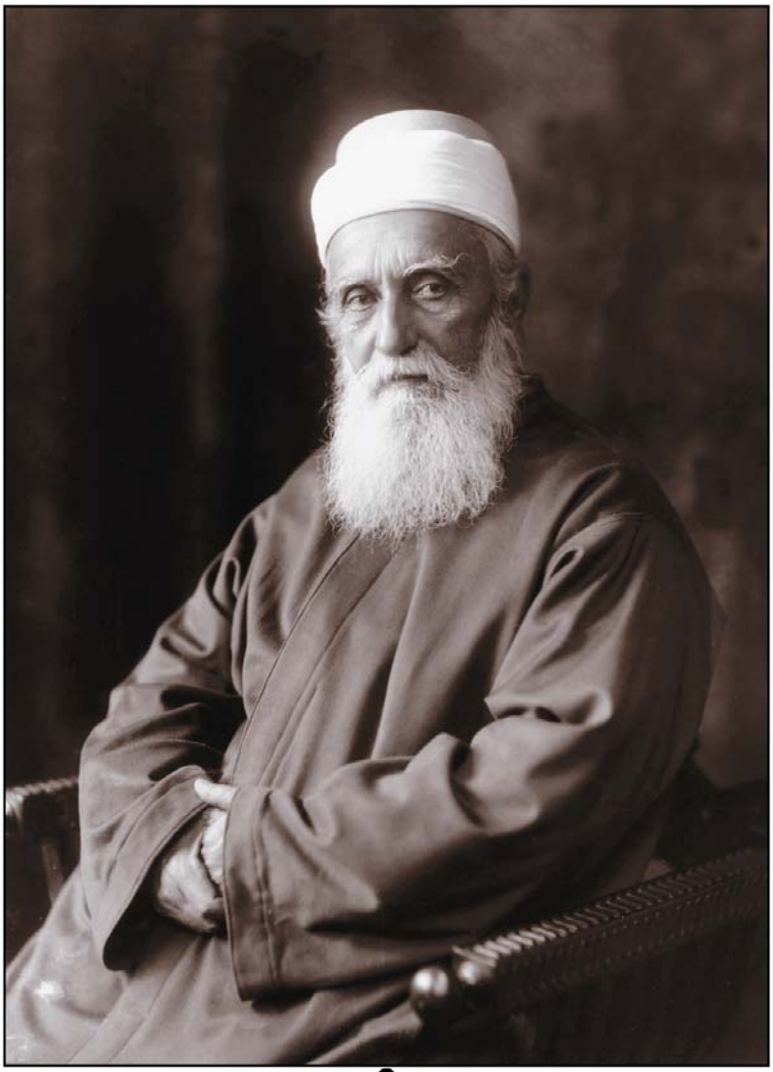


... در وجود قوت عظیمه و قدرت کامله مکنون و
مستور ، به او و جهت اتحاد او ناظر باشید ...
وصیت الله آن که باید اغصان و افنان و منتسبین طرّاً
به غصن اعظم (حضرت عبدالبهاء) ناظر باشند.

حیات مبارک حضرت عبدالبهاء

حضرت عبدالبهاء به مدت ۷۷ سال در این عالم زندگی نمودند، ایشان در همان شبی که حضرت باب اظهار امر فرمودند تولد یافتند و در نوامبر ۱۹۲۱ میلادی (۱۳۰۰ شمسی) ، به ملکوت ابهی صعود فرمودند. حیات آن حضرت مملو از مصائب و محن بود و مع ذلک باعث سرور همه نفوسی بودند که به حضورشان مشرف می شدند. حضرت بهاءالله به نفسه، حضرت عبدالبهاء را در داشتن صفات و خصوصیات حقیقی آموزش دادند. ایشان، ذیقیمتی ترین هدیه به عالم بشری و مثل اعلی و بهترین سرمشق در اجرای کلیه تعالیم مبارکه اند. ما از ایشان صفات روحانی مانند عشق، محبت، صبر و بردباری که حضرت بهاءالله از همه نوع بشر می خواهند تا آن را کسب کنند، می آموزیم.

بعد ازصعود پدر بزرگوارشان،مسئولیت جامعه بهائی برروی شانه های ایشان قرار گرفت، ایشان شبانه روز به انتشار امر اعظم در شرق و غرب عالم مشغول شدند. هزاران الواح به افراد و گروه های مختلفه در نقاط مختلفه عالم مرقوم فرمودند و تعالیم مبارکه پدر بزرگوارشان را روشن و واضح نمودند. تبیینات ایشان، هم اکنون از اساسی ترین آثار امر بهائی است.
با توجه به مقام حضرت عبدالبهاء به عنوان مرکز عهد و میثاق حضرت بهاءالله، بهائیان عالم، متحدانه در سعی و کوشش تا حیات بهائی داشته باشند و مدنیت نوین جهانی را بسازند.



حضرت عبدالبهاء

مرکز عهد و میثاق
مبیّن آیات حضرت بهاءالله

ولی امر و بیت العدل اعظم

در الواح وصایا حضرت عبدالبهاء نوه ارشدشان را به عنوان ولی امرالله پس از صعود خود منصوب فرمودند. حضرت شوقی افندی مبین موثق تعالیم الهی می باشند و به مدت ۳۶ سال راه پدر بزرگشان را ادامه دادند. تفسیر آیات مظهر ظهور نمودند و امرالله را در اکناف عالم مستقر ساختند.

۵ سال و نیم پس از صعود مبارک، بهائیان عالم بیت العدل اعظم الهی را به همان صورتی که حضرت بهاءالله وعده فرموده بودند و حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله تبیین فرموده بودند، انتخاب نمودند. بیت العدل اعظم، اعظم موسسه امر بهائی است که همه بهائیان عالم به او توجه می کنند.



حضرت شوقی افندی

ولی امرالله
مبیّن آیات حضرت بهاءالله

احکام بهایی

مهمترین قسمت هر دیانت احکام و قوانینی است که مظاهر ظهور برای هدایت بشر با خود می آورند. **بعـــضی از احـــکام و قوانین ابدی است و قـــابل تغییر نیستند و بعضی دیگر با پیشرفت بشریت تغییر می کند.** در امـر بـهائی آمـوختـه ایم که احـکام را نباید به عنوان تعدادی از قوانین امر و نهی خشک در نظر گیریم.
حضرت بهاءالله در رابطه با احکام می فرمایند که:

"انَّ اوامری سُرُجَ عنایَتی بَیْنَ عبادی وَ مَفاتیح رَحْمَتی لِبَریَّتی"
" اوامر من چراغ های عنایتم بین بندگانم و کلید های رحمتم بین خلقم هستند." (مضمون)

و نباید اطاعت این احکام به خاطر ترس از مجازات باشد.
در کتاب مستطاب اقدس واضحاً می فرمایند:

" اَن اعمَلوا حُدُودی، حُباً لِجَمالی. "
"احکام مرا به خاطر محبتی که به جمالم دارید، اجرا نمایید." (مضمون)

این افکار واضحتر خواهد شد اگر چند مثالی از احکام بهائی را ذکر نماییم:

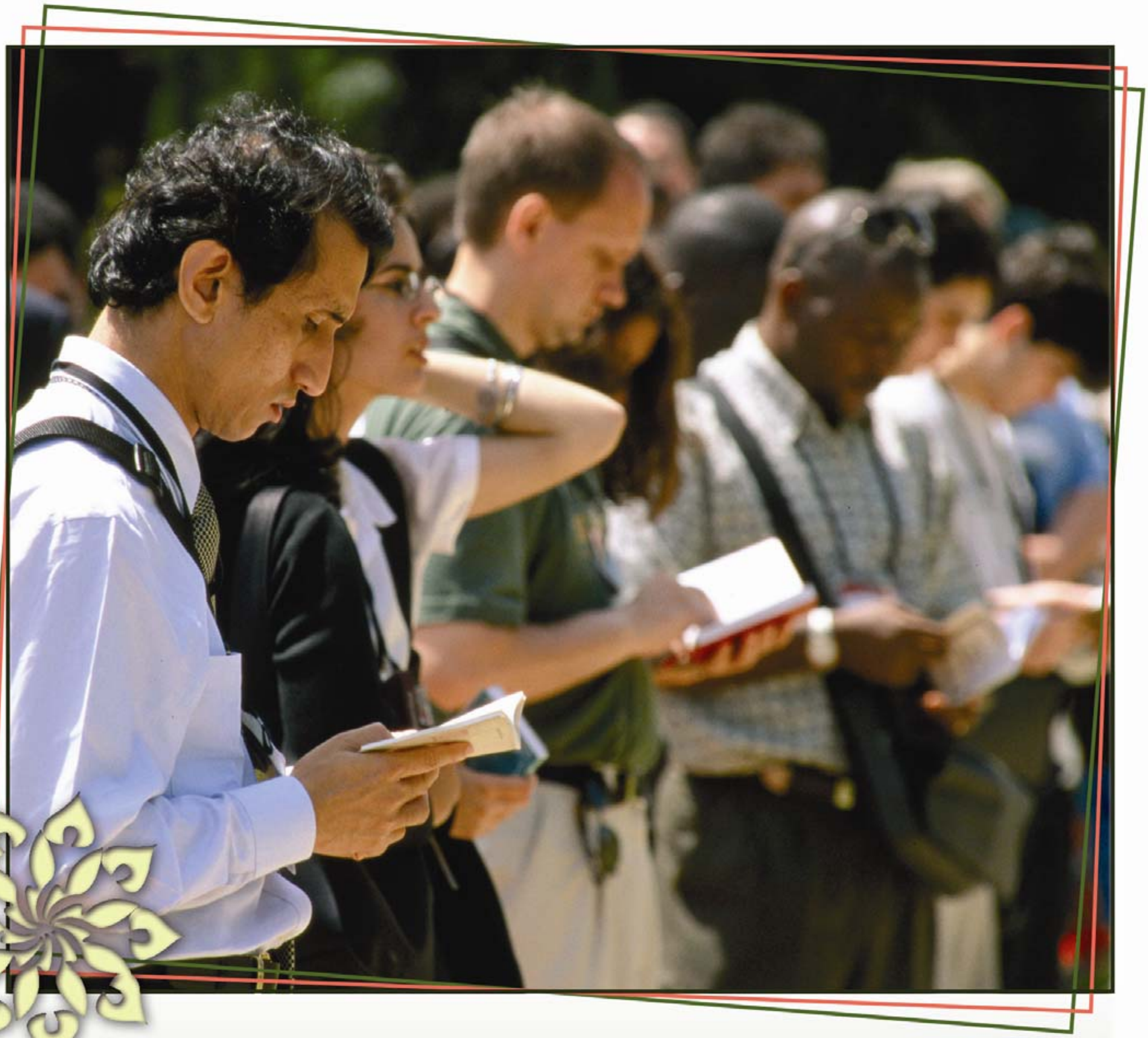


"اِنَّ اوامری سُرُجَ عنایَتی بَیْنَ عبادی وَ مَفاتیح رَحْمَتی لِبَرِیَّتی"
" اوامر من چراغ های عنایتم بین بندگانم و کلید های رحمتم بین خلقم هستند."

" اَن اِعمَلوا حُدُودی، حُباً لِجَمالی. "
"احکام مرا به خاطر محبتی که به جمالم دارید، اجرا نمایید."

دعا و مناجات

در عالـم جـسمانی، بشر محتاج به خوراک روزانه اسـت. ایـن یـکی از احتیـاجات جـسم انـسان است، اگر به آن توجه نکنیم، مریض شده و به زودی خواهیم مرد. پس می توانیم بگوئیم،که خوردن خوراک روزانه ضرورتی برای وجود جسمانی ما است که باید اطاعت شود.
به همین ترتیب، یکی از احکام حضرت بهاءالله است که باید روزانه دعا و مـناجات بخوانیم. مانـند جـسم ما، روحمان نـیز احـتیاج بـه تـغذیه مستمر دارد. دعا و مناجات غذائی است برای پیشرفت روحانی ما.
مناجات های زیـبائی اسـت که توسـط حضرت باب، حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء نازل شده که می توانیم در تـنهائی و یا در جـلسات بخوانیم. بعضی از این ادعیه مخصوص و بعضی از دعاها واجب هستند. مانند نماز.
دعا و مناجات گفتگو با خداوند است. اگر شـخصی به دیگری محبت دارد ، آرزویش اظهار آن محبت است و ایـن که در حضور آن شخص ، حاضر شود. بنابراین به عنوان نشانه ای از عشق به خداوند، فرد بهایی آرزو دارد تا با او گفتگو کند، به بیانی دیگر این که، هر روز دعا نماید.



دعا و مناجات گفتگو با خداوند است.

اگر شــخصی به دیگری محبت دارد ، آرزویش اظهار آن محبت است و ایــنکه در حضور آن شخص ، حاضر شود.

نماز (صلات)

یکی از دعاهای واجب نماز است مانند نماز کوچک که بهائیان هر روز از ظهر تا غروب آفتاب یکبار می خوانند:

*

" اَشهَدُ یا الهی بانَّکَ خَلَقتَنی لعِرفانکَ وَ عبادَتکَ اَشهَدُ فی هذَا الحین بعَجزی و قُوَّتکَ وَ ضَعفی وَ اقتدارِکَ وَ فَقری وَ غَنائکَ لا الهَ الاّ انتَ المُهَیْمنُ القَیُّومُ. "

" گواهی می دهم ای خدای، من به این که تو مرا برای شناسایی و پرستش خود آفریدی ، در این لحظه گواهی می دهم بر ناتوانی خود و توانائی تو و ضعف خود و اقتدار تو و فقر خود و بی نیازی تو. نیست خدایی جز تو که فریادرس و بی نیازی."



" اَشهَدُ یا الهی بانَّکَ خَلَقتَنی لعرفانکَ وَ عبادَتکَ اَشهَدُ فی هذا الحینِ بعَجزی و قُوَّتکَ وَ ضَعفی وَ اقتدارِکَ وَ فَقری وَ غَنائکَ لا الهَ الاّ انتَ المُهَیْمنُ القَیُّومُ. "

" گواهی می دهم ای خدای من به این که تو مرا برای شناسایی و پرستش خود آفریدی ، در این لحظه گواهی می دهم بر ناتوانی خود و توانائی تو و ضعف خود و اقتدار تو و فقر خود و بی نیازی تو. نیست خدایی جز تو که فریادرس و بی نیازی."

غیبت و عیب جویی

درحکم دیگری،حضرت بهاءالله غیبت وعیب جوئی رامنع می فرمایند. یکی از بزرگترین دشمنان وحدت غیبت است. و متاسفانه عادتی شده است در بین مردم که نسبت به عیوب دیگران در غیابشان صحبت کنند. همه مردم علاقه زیادی راجع به عیوب دیگران نشان می دهند . و این عیوب همین طور که راجع به آن صحبت می شود بمرور زمان بزرگ و بزرگ تر میشود. حضرت عبدالبهاء به ما تعلیم می دهند که اگر ده صفت خوب در شخصی دیدیم و یک عیب، می بایست دقت روی ده صفت خوب او کنیم. و اگر ده صفت بد در شخصی دیدیم و یک صفت خوب، بازهم می بایست دقت روی یک صفت خوب او کنیم.



اگر ده صفت خوب در شخصی دیدیم و یک عیب، می بایست دقت روی ده صفت خوب او کنیم.
و اگر ده صفت بد در شخصی دیدیم و یک صفت خوب بازهم میبایست دقت روی یک صفت خوب او کنیم.

بد مشنو و بد مبین

حضرت بهاءالله می فرمایند:

"ای رفیق عرشی بد مشنو و بد مبین، و خود را ذلیل مکن و عویل برمیار، یعنی بد مگو تا نشنوی، و عیب مردم را بزرگ مدان تا عیب تو بزرگ ننماید، و ذلت نفسی مپسند تا ذلت تو چهره نگشاید. پس با دل پاک و قلب طاهر و صدر مقدس و خاطر منزه در ایام عمر خود که اقل از آنی محسوب است فارغ باش تا به فراغت از این جسد فانی به فردوس معانی راجع شوی و در ملکوت باقی مقر یابی."



"ای رفیق عرشی بد مشنو و بد مبین، و خود را ذلیل مکن و عویل برمیار، یعنی بد مگو تا نشنوی، و عیب مردم را بزرگ مدان تا عیب تو بزرگ ننماید، و ذلت نفسی مپسند تا ذلت تو چهره نگشاید. پس با دل پاک و قلب طاهر و صدر مقدس و خاطر منزه در ایام عمر خود که اقل از آنی محسوبست فارغ باش تا به فراغت از این جسد فانی به فردوس معانی راجع شوی و در ملکوت باقی مقر یابی."

حرمت مشروبات الکلی و مواد مخدّر

نوشیدن مشروبات الکلی یکی از بزرگترین بیماری های اجتماعی است که امروز درعالم ، وجود دارد و یکی از علت های اصلی از هم پاشیدن سلامت خانواده ها است. خداوند به ما موهبت های مخصوص عطا کرده است که ما را از حیوانات متمایز می سازد، و آن عقل و فهم است. وقتی مشروبات الکلی را استفاده می نماییم، این موهبت را از دست داده و مانند حیوانات می شویم و حتی گاهی اوقات قادر خواهیم بود دوستی را بکشیم. شرب این نوشیدنی ها باعث می شود مردم به طور شرم آوری رفتار کنند. این در حالی است که خداوند انسان را عزیز و شریف خلق کرده است.

حضرت بهاءالله می فرمایند:

"... ای بندگان اگر از بدایع فضلم که در نفس شما ودیعه گذارده ام مطلع شوید ، البته از جمیع جهات منقطع شده به معرفت نفس خود که نفس معرفت من است پی برید و از دون من خود را مستغنی بینید ... این مقام امنع اقدس را به مشتهیات ظنون و هوی وافکیات وهم و عمی ضایع مسازید."



“... ای بنـدگان اگـر از بدایع فضلم که در نـفس شـما ودیعه
گذارده ام مطلع شوید ، البته از جمیع جهات منـقطع شده به
معرفت نفس خود که نفس معرفت من است پـی برید و از
دون من خود را مستغنی بینید ... این مقام امنع اقدس را به
مشتهیات ظنون و هوی وافکیّات وهم و عمی ضایع مسازید.“

تعلیم و تربیت اطفال

یکـی از احکام دیگر حـضرت بهاءاللـه، راجـع به وظیفه والدین و جامعه در تربیت اطفال است. همان گونه که اطفال تعـلیم های مادی می بینند، به همان صورت باید آنها را تربیت روحانی نمود. ایـن یک فریضه است. حضرت بهاءالله به والدین می فرمایند که بنگرند که اگر اطفال صفات روحانی را همانند علوم و فنون نافعه کسب کنند، قادر خواهند بود زندگی سازنده ای داشته باشند.

حضرت عبدالبهاءِ فرموده اند:
وجه قدم ... وصیت می فرماید به تربیت اولاد. اگر والد در این امر اعظم که از قلم قدم در کتاب اقدس نازل شده غفلت نماید ... لدی الله از مقصرین محسوب.

" اول تکلیف یاران الهی و اماءِ رحمانی آن است که بای وجـه کان در تربیـت و تـعلیم اطـفال از ذکـور و انـاث کوشـــند و دختــران مانـند پسـرانند ابـدا فرقـی نیـست ؛ جـهل هـر دو مذمـوم و نـادانی هـر دو مـبغوض و هَـلْ یَـسْـتَوِی الَّـذینَ یَعْلَمونَ وَ الَّذینَ لا یَعْلَمُونَ."
" آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند، برابرند؟ "
(ترجمه)

*



وجه قدم ... وصیت می فرماید به
تربیت اولاد. اگر والد در این امر
اعظم که از قلم قدم در کتاب اقدس
نازل شده غفلت نماید ... لدی الله از
مقصرین محسوب.

اقدامات یک بهایی

امر بهـایی تنها مجـموعه ای از آرمـان های زیـبا نیست، در حـقیقت دیانت بهائی، دیـانتی منظم اسـت و هدف آن چیزی جز وحدت عالم انسانی نیست. بنابر این **کار بـهائیان ساختن یک مدنیت جهانی است.**

بیت العـدل اعظم می فرمایند که در این ساختن سه نوع شرکت کننده وجود دارد و هر کدام وظیفه مهمی دارند.

- فرد
- جامعه
- موسسات امری



کار بـهائیان ساختن یک مدنیت جهانی است.

فرد

اولین شـرکت کننده، افراد احباء هستند . این **وظیفه فرد است که در عهد و میـثاق الهی ثابـت باشـد و سعی کند تا حیات خود را مطابق با تعالیم حضرت بهاءالله نماید و خدمتی به عالم انسانی کند.** و همیشه متوجه این حقیقت باشـد که **حیات بـا مرگ تـمام نمـی شود و رابطه فرد با خدا جاودانی و همیشگی است.**

پس از مرگ روحـمان آزاد می شود و به سوی خدا مستمرا پیشرفت می کند. زنـدگی ما در این دنیا مـانند حیات جنین در رحم مادر است. به مدت نه ماه جنین خصوصیاتی مانند چشم، گوش و دسـت در خـود ایجاد می کند تا در آینده در این دنیا از آنها استفاده کند. به همین تـرتیب ما نیز در این دنـیا بایـد خصوصیات روحانی را در خود ترقی دهیم تا برای پیشرفـت خود در عـوالم بعد، از آنها استفاده کنیم. البـته فقـط با تفکر در این مسئله، کاری انجام نداده ایم. باید عمل کنیم و به هم نوع خود خـدمت کنیـم، دانـش و معرفتی را که به دست آورده ایم در اختیار دیگران قرار دهیم.



برای پیشرفت خود در عوالم بعد، باید عمل کنیم و به هم نوع خود خدمت کنیم، دانش و معرفتی را که به دست آورده ایم در اختیار دیگران قرار دهیم.

جامعه

دومین شـرکت، کننده جـامعه است. انسان به دنیا نیامده است که به تنهائی زندگی کند. ما در جـامعه زنـدگی می کنیم و بـاید با هم کار کنـیم تا مدنیت جـهانی را بسازیم. نزدیک ترین جامعه به ما جامعه محلی ما است که متشکل از بهائیـان شهر و یا روستـا اسـت. در این جامعه محلی است که یاد می گیریم با هم کار کنیم و با هم پیشرفت کنیم و متحد شویم. در عین حالی که عضو جـامعه مـحلی هـستیـم عضو جامعه ملی و جامعه جهانی بهائی نیز هسـتیم که مـستمرا ایـن جـوامع در حال نمو است و مردمـان کثیری را از ادیـان و ملیت ها و نژادهـای مختلفه به سوی خود جذب می کند.



جامعه بهایی مستمرا در حال نمو است و مردمان کثیری را از ادیان و ملیت ها و نژادهای مختلفه به سوی خود جذب می کند.

موسسات امری

در آثـار حضرت بهاءالله مطالبی بسیار راجع به نظم جامعه اشاره شده است. در زمان قدیم مظاهـر الهی راجع به این مطلب خیلی کم اشاره فرمودند که چطور پیروانشان می بایست جامعه خود را تنظیم و اداره کنند. در رابطه با امر بهائی، حضرت بهاءالله نظم بدیعی آوردند و به ما فرمودند که چه موسساتی باید تاسیس شود و چطور باید کار کنند و جامعه انسانی را اداره نمایند.

عالی ترین موسسه امر بـهایی، بیت العـدل اعـظم است. سالی یک بار بهائیان عالم در هر کشور، محفل ملی و در هر شهر محفل محلی خود را انتخاب می کنند. در امر بهائی پیشوای مذهبی نیست و این محفل روحانی است که جامعه را هدایت می کند و مواظب صحـت روحـانی افراد احباء است. محفل روحانی محلی از ۹ عضو تشکیل می شود که در فـضـایی روحـانی از طـریق رای مخفی و بـه وسیـله افـراد بـالـغ (بالای ۲۱ سال) جامـعه انتخاب مـی شوند. مـحافل روحانیه اهمیت زیادی برای بهائیان دارد. به وسیله ایـن محافل است که جـامعه اداره می شود و نظـم جدید در جامعه تاسیس می گردد. نظمی که به نظم بدیع جهانی حضرت بهاءالله شهرت دارد.

✱



عالی ترین موسسه امر بهایی، بیت العدل اعظم است.

کلام آخر

متن فوق شرح مختصری از امر بهائی بود. برای بهائی بودن به جا آوردن آئین و تشریفات ویژه ای لازم نیست. امری که ضروری می باشد این است که شخص قلباً بپذیرد که حضرت بهاءالله مظهر ظهور الهی این عصر هستند و کلمات و هدایات الهی را نازل فرموده اند. مهم است که درک کنیم یک بهایی پس از قبول حضرت بهاءالله آگاهانه تعالیمشان را در زندگی اش به کار می برد و شب و روز می کوشد تا درک و فهمش را از امر بهایی افزایش دهد.
حضرت عبدالبهاء فرموده اند:

" به جمیع شئون از خصائل و فضائل رحمانی در روش و رفتار نفوس ربانی قیام کنند و ثابت نمایند که بهائی حقیقی هستند نه لفظ بی معنی و بهائی این است که شب و روز بکوشند تا در مراتب وجود ترقی و صعود نمایند و نهایت آرزوی هر یک این باشد که نوعی روش و حرکت نماید که جمیع بشر از آن مستفیض و منور گردند و نقطه نظرگاهش همواره خلق و خوی حق باشد و روش و سلوکش سبب ترقیات نامتناهیه گردد. به قدر قوت رحمت عالمیان شود و به قدر استعداد موهبت عالم انسان گردد. چون به این مواهب موفق شود، می توان گفت که بهایی است."





" به جمیع شئون از خصائل و فضائل رحمانی در روش و رفتار نفوس ربانی قیام کنند و ثابت نمایند که بهائی حقیقی هستند نه لفظ بی معنی و بهائی این است که شب و روز بکوشند تا در مراتب وجود ترقی و صعود نمایند و نهایت آرزوی هر یک این باشد که نوعی روش و حرکت نماید که جمیع بشر از آن مستفیض و منور گردند و نقطه نظرگاهش همواره خلق و خوی حق باشد و روش و سلوکش سبب ترقیات نامتناهیه گردد. به قدر قوت رحمت عالمیان شود و به قدر استعداد موهبت عالم انسان گردد. چون به این مواهب موفق شود، می توان گفت که بهایی است."

دعا به جهت ترقی روحانی

هوالله

ای خداوند مهربان این دل را از هر تعلقی فارغ نما و ایـن جـان را به هر بشارتی شادمانی بخش از قید آشنا و بیگانه آزاد کن و به محبت خویش گـرفتـار نـما تـا به کـلی شـیدای تو گـردم و دیوانه تو، جز تو نخواهم و جـز تـو نـجویم و به غـیر از راه تـو نـپویم و بـجز راز تو نـگویم مانـنـد مرغ سحر در دام محبـت تو گرفتار گردم و شب و روز بنالم و بزارم و بگریم و بگویم یابهاءالابهی

ع ع

هوالله

ای خداوند مهربان این دل را از هر تعلقی فارغ نما و
ایــن جــان را به هر بشارتی شادمانی بخش از قید آشنا
و بیگانه آزاد کن و به محبت خویش گــرفتــار نــما تــا به
کــلی شــیدای تو گــردم و دیوانه تو، جز تو نخواهم و
جــز تــو نــجویم و به غــیر از راه تــو نــپویم و بــجز راز
تو نــگویم ماننــد مرغ سحر در دام محبــت تو گرفتار
گردم و شب و روز بنالم و بزارم و بگریم و بگویم
یابهاءالابهی

